

بررسی تأثیر حضور زنان در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود و محافظه کاری حسابداری در شرکت‌ها

المیرا محمد خانلو^۱

علی زاهدپور*^۲

ابوالفضل علیزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی تأثیر حضور زنان در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود و محافظه کاری حسابداری در شرکت‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش از نوع تحقیق توصیفی همبستگی است. با مبنای قرار دادن سال ۱۳۹۱، تعداد ۴۷۵ شرکت به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش شناسایی شدند در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده و تعداد ۴۴ شرکت به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. مدل نظری مورد استفاده در این تحقیق از مطالعه گارچیا-مکا (۲۰۱۸) اقتباس شده است. داده‌های گردآوری شده از طریق نرم‌افزار Eviews مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج بدست آمده از تحقیق نشان داد حضور زنان در هیئت‌مدیره بر محافظه کاری حسابداری و کیفیت سود تأثیر معنادار ندارد.

واژگان کلیدی

حضور زنان، محافظه کاری، کیفیت سود، هیئت‌مدیره

۱. مدرس، گروه حسابداری، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری مالی، دانشکده علوم اداری اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (مسئول مکاتبات: ali.zr38021@gmail.com)
۳. کارشناس ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی تاکستان، قزوین، ایران.

مقدمه

محافظه کاری در استانداردهای حسابداری ایران بدین معنا است که در شرایط ابهام، اعمال قضاوت برای انجام برآورد به نحوی صورت گیرد که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (کمیته تدوین سازمان حسابرسی، ۱۳۸۰). در مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران، از این ویژگی با اصطلاح «خصوصیات کیفی» نام برده شده است. یکی از این خصوصیات، محافظه کاری است که از آن به عنوان «احتیاط» یاد شده است. در حسابداری سنتی، مبنای محافظه کاری، پدیده «عدم اطمینان» است. همان‌گونه که معمولاً گفته می‌شود، مفهوم محافظه کاری یک عامل محدودکننده یا مرزی است که بر اساس آن داده‌ها ارائه می‌شوند. همچنین از محافظه کاری می‌توان به عنوان ساز و کار نام برد که اگر به درستی اعمال شود، به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی منجر خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تأمین کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود (کردستانی و امیریگی لنگرودی، ۱۳۷۸). در واقع محافظه کاری عبارت است از نشان دادن واکنش محتاطانه به وجود ابهام به منظور ایجاد اطمینان خاطر از اینکه به ابهام و خطرهای احتمالی همراه آن، به حد کافی توجه نشده است. سالها است که حسابداران به محافظه کاری به عنوان یکی از میثاق‌های محدودکننده حسابداری توجه کرده‌اند و جایگاه این مفهوم با وجود انتقادهای مطرح شده در مورد آن هنوز هم در میان سایر اصول و مفروضات حسابداری حفظ شده است.

در ادبیات حسابداری، دو نوع تعریف برای محافظه کاری مطرح است: اولی، وجود جانبداری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آنکه فلسام و اهلسون^۱ در سال ۱۹۹۵ میلادی عنوان کردند این تعریف از محافظه کاری معرف دیدگاه ترازنامه‌ای است و معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز برگرفته از همین تعریف است؛ دومی، تمایل به سرعت بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که معرف محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی است و باسو بر همین اساس در سال ۱۹۹۷ میلادی معیار عدم تقارن زمانی را معرفی کرد (پرایس^۲، ۲۰۰۵). محافظه کاری می‌تواند نقش مؤثری در کاهش منافع حاصل از مدیریت سود که مدیران ارشد سازمان انجام می‌دهند ایفا کند (چن و همکاران^۳، ۲۰۰۹). محافظه کاری در حسابداری، شرکت‌های سودمند را به سمت سوددهی بیشتر تحریک می‌کند تا آنها برای ارتقا تلاش بیشتری کنند و این به کیفیت بالای اطلاعات داخلی منجر می‌شود. محافظه کاری با تأثیر بر تصمیمات مالی، تأثیر قطعی تری در اصلاح کارایی سرمایه‌گذاری دارد (نان و ون^۴، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر کیفیت سود مفهومی است که دارای جنبه‌های متفاوتی می‌باشد و از این رو تعاریف مختلف و معیارهای متفاوتی در رابطه با آن مطرح شده‌اند. تحقیقات مختلف در تعریف مفهوم کیفیت سود، به دو ویژگی مهم اشاره نموده‌اند. یکی از این ویژگی‌ها، سودمندی در تصمیم و دیگری ارتباط این مفهوم با سود اقتصادی است. به بیان بهتر،

^۱- Feltham and Ohlson

^۲- Price

^۳- Chan & et al.

^۴- Nan and Wen

کیفیت بالای سود به معنای سودمندی اطلاعات سود در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و همچنین نزدیکی آن به سود اقتصادی است؛ اما از آنجایی که افراد مختلف از اطلاعات در تصمیمات متفاوت استفاده می‌کنند، امکان ارائه تعریفی واحد از آن وجود ندارد (دجو و همکاران^۱، ۲۰۱۰). سود حسابداری یکی از مهمترین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی می‌باشد که همواره مورد توجه گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار گرفته است. از سود حسابداری به‌عنوان مبنایی برای سنجش کارایی مدیریت، ابزاری برای پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقدی آتی، مبنایی برای تعیین مالیات و وسیله‌ای برای ارزیابی و قضاوت درباره تخصیص منابع یاد می‌شود (هندریکسن و ون بردا^۲، ۱۹۹۱، ترجمه پارسائیان، ۱۳۸۵). این فرض که سود به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات مختص شرکت است توسط تحقیقات تجربی فرانسیس و همکاران^۳ (۲۰۰۵) که بیانگر آن است سرمایه‌گذاران به سود بیشتر از هر معیار دیگر ارزیابی عملکرد (نظیر سود سهام، جریان‌های نقدی یا شکل‌های دیگر سود مثل سود قبل از مالیات، بهره و استهلاک) اتکا می‌کنند، مورد پشتیبانی قرار گرفته است. همچنین نتایج تحقیقات حاکی از آن است که مدیران سود را به‌عنوان معیار اصلی مورد توجه سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در نظر می‌گیرند (گراهام و همکاران^۴، ۲۰۰۳). آغاز هزاره سوم با رسوایی‌های مالی در سطح بین‌الملل همراه شده است. با توجه به مطالب ذکر شده هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر حضور زنان در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

زنان در هیئت‌مدیره

زنان از لحاظ مالی محافظه‌کارتر و از لحاظ اخلاقی موظف‌تر و ریسک‌گریزتر از مردان هستند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵). آنها سعی می‌کنند که از زیان اجتناب کرده و ریسک‌های زیاد را کمتر بپذیرند (اسچوبارت^۵، ۲۰۰۶). این موضوع شاید بتواند به هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی کمک کند تا از پذیرش ریسک بیش از حد اجتناب کنند. اگر چه اشتیاق برای پذیرش ریسک، نوعی نیاز مدیریتی برای ارزش افزایش سهامداران است، از دیدگاه نظام راهبری، تفاوت‌های جنسیتی در ریسک‌گریزی می‌تواند خبر خوبی باشد. برای مثال، نماینده زن می‌تواند به درک بهتر تعصبات بالقوه در ساختار بندی استراتژی و ارزیابی ریسک کمک کند؛ بنابراین تنوع جنسیتی می‌تواند نقش نظارتی هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی را بهبود بخشد. همچنین محافظه‌کاری و ریسک‌گریزی زنان می‌تواند به صحت فرایند گزارشگری مالی کمک کند (ایتونن و همکاران^۶، ۲۰۱۰).

یافته‌ی کریشنان و پارسون^۷ (۲۰۰۸) نیز در این راستاست، زیرا آنها دریافتند که کیفیت سود ارتباط مثبت و معناداری با تنوع جنسیتی در پست‌های مدیریتی دارد. در ادبیات حسابداری و حسابرسی، پژوهش‌های کمی درباره تنوع جنسیتی

¹ - Dechow, & et al.

² - hendriksen & van breda

³ - Francis, & et al.

⁴ - Graham, & et al.

⁵ - Schubert

⁶ - Ittonen & et al

⁷ - Krishnan & Parsons

وجود دارد، با این حال، مطالعات جالبی در این باره انجام گرفته است. برای نمونه، سیراوادی و هوانگ^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند حضور زنان در کمیته حسابرسی، مدیریت سود را محدود می‌کند. همچنین اسماعیل و عبدالله (۲۰۱۳) نیز به نتایج مشابهی دست یافته و نشان دادند حضور زنان هم در هیئت‌مدیره و هم در کمیته‌ی حسابرسی، مدیریت سود را محدود می‌کند. ایتونن و همکارانش (۲۰۱۰) دریافتند که تنوع جنسیتی تأثیر مثبتی بر نظام راهبری، عملکرد مالی و ارزش شرکت دارد. مشاهدات کارتر و همکاران^۲ (۲۰۰۳) نیز گویای رابطه‌ی مثبت و معناداری بین نمایندگان زن در هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت است. در این رابطه، ادوارد، وربل و شردر (۲۰۰۳) دریافتند که شرکت‌های با تنوع جنسیتی بیشتر، سودآوری بالاتری دارند. در نهایت یافته‌های هاس و همکاران (۲۰۰۹) حاکی از وجود رابطه مثبت بین تنوع جنسیتی با اثربخشی و فعالیت‌های نظارتی هیئت‌مدیره است.

با این حال، سپاسی و عبدلی (۱۳۹۴) شواهد مستقیمی به دست نیاورند که نشان دهد وجود یک نماینده زن در هیئت‌مدیره، به‌طور مستقیم بر ارزش شرکت اثر می‌گذارد، بلکه به آثار غیرمستقیمی اشاره کردند؛ بدین ترتیب که زنان در هیئت‌مدیره به‌طور مثبت بر عملکرد مالی و به دنبال آن بر ارزش شرکت تأثیر می‌گذارند. به‌طور کلی، مطالعات نشان داده‌اند که نماینده زن ممکن است اثربخشی و فعالیت‌های نظارتی هیئت‌مدیره را بهبود بخشد. از دیدگاه کوهن و همکاران^۳ (۲۰۰۸) پویایی گروه، ویژگی مناسب و ضروری در بررسی نقش نظارت و نظام راهبری مبتنی بر گروه است که در حوزه تفاوت‌های جنسیتی کمتر به بحث گذاشته شده است. در این حوزه می‌توان گفت که سطح بالای مسئولیت‌پذیری زنان در مقایسه با مدیران، آنها را به تلاش‌های بیشتری در انجام وظایف خود وادار می‌کند (فونداس و ساسالو^۴، ۲۰۰۰).

در ضمن زنان در مقایسه با مردان حضور بهتری در جلسات هیئت‌مدیره دارند. بنابراین ممکن است نمایندگان زن، رفتار و اثربخشی هیئت‌مدیره را بهبود بخشند (هاس و سولبرگ^۵، ۲۰۰۶). همچنین با در نظر گرفتن پدیده خودنمایی^۶، زنان برای به دست آوردن موقعیت‌های مدیریتی باید صلاحیت بیشتری نشان دهند (ایگلی و کارلی، ۲۰۰۳). علاوه بر این، تحلیلگران مالی زن نسبت به تحلیلگران مرد باصلاحیت‌ترند (کومار، ۲۰۱۰) در نتیجه، به‌صورت ساده با این پیش‌فرض که زنان شایستگی و سخت‌کوشی بیشتری دارند، تنوع جنسیتی و نمایندگان زن، می‌تواند اثربخشی هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی را افزایش دهد.

کیفیت سود

کیفیت سود مفهومی است که دارای جنبه‌های متفاوتی می‌باشد و از این‌رو تعاریف مختلف و معیارهای متفاوتی در رابطه با آن مطرح شده‌اند. تحقیقات مختلف در تعریف مفهوم کیفیت سود، به دو ویژگی مهم اشاره نموده‌اند. یکی از این ویژگی‌ها، سودمندی در تصمیم و دیگری ارتباط این مفهوم با سود اقتصادی است. به بیان بهتر، کیفیت بالای سود

¹ - Thiruvadi & Huang

² -carter & et al

³ - Cohen & et al

⁴ - Fondas & Salsalos,

⁵ - Huse & Solberg

⁶ - Glassceiling Phenomenon

به معنای سودمندی اطلاعات سود در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و همچنین نزدیکی آن به سود اقتصادی است؛ اما از آنجایی که افراد مختلف از اطلاعات در تصمیمات متفاوت استفاده می‌کنند، امکان ارائه تعریفی واحد از آن وجود ندارد (دجو و همکاران^۱، ۲۰۰۸). بر اساس مفهوم سودمندی تصمیم، ارائه‌شده توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۲، کیفیت سود و به‌طور عام‌تر کیفیت گزارشگری مالی، مورد علاقه کسانی است که از گزارش‌های مالی برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای مختلف استفاده می‌کنند. علاوه بر این، می‌توان عنوان نمود که از دیدگاه مراجع تدوین‌کننده استاندارد، کیفیت سود به‌صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده کیفیت استانداردهای گزارشگری مالی است (اسچپر و وینست^۳، ۲۰۰۳).

از دیدگاه سرمایه‌گذاری، کیفیت پایین سود مطلوب نمی‌باشد، زیرا سودهای کم کیفیت، تخصیص نامناسب منابع را به دنبال داشته و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، این سودها کارایی لازم را نداشته و منابع را از پروژه‌های دارای بازده واقعی به سمت پروژه‌هایی سوق می‌دهند که واهی بوده و بازده ساختگی و غیرواقعی دارند (بولو و القار، ۱۳۹۳).

شناسایی عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود برای تصمیم‌گیری مقامات قانون‌گذار و بهبود کیفیت سود نیز اهمیت بسزایی دارد. در مطالعاتی که به بررسی عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود می‌پردازند، عوامل تعیین‌کننده، نقش متغیر مستقل و کیفیت سود، نقش متغیر وابسته را ایفا می‌کند. عوامل بسیاری کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دجو و همکاران^۴ (۲۰۱۰) عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود را در قالب شش سرفصل طبقه‌بندی می‌کنند که این موارد شامل خصوصیات شرکت، رویه‌های گزارشگری مالی، مکانیسم‌های راهبری شرکتی، حساب‌برسان، محرک‌های بازار سرمایه و عوامل خارجی می‌باشند. دی‌جان^۵ (۲۰۰۹) نیز عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود را در شش سرفصل بررسی کرده است که این موارد شامل استانداردهای حسابداری، خصوصیات شرکت، خصوصیات هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی، خصوصیات مدیریت، خصوصیات مؤسسه حسابرسی و سایر عوامل می‌باشند.

محافظه‌کاری

محافظه‌کاری عبارت است از نشان دادن واکنش محتاطانه به وجود ابهام به‌منظور ایجاد اطمینان خاطر از اینکه به ابهام و خطرهای احتمالی همراه آن، به حد کافی توجه نشده است. سالها است که حسابداران به محافظه‌کاری به‌عنوان یکی از میثاق‌های محدودکننده حسابداری توجه کرده‌اند و جایگاه این مفهوم با وجود انتقادهای مطرح‌شده در مورد آن هنوز هم در میان سایر اصول و مفروضات حسابداری حفظ شده است.

در ادبیات حسابداری، دو نوع تعریف برای محافظه‌کاری مطرح است: اولی، وجود جانبداری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آنکه فلسام و اهلسون در سال ۱۹۹۵ میلادی عنوان کردند این تعریف از

^۱- Dechow, & et al.

^۲- Financial Accounting Standards Board (FASB)

^۳- Schipper, and Vincent,

^۴- Dechow, & et al.

^۵- De-jun

محافظه کاری معرف دیدگاه ترازنامه‌ای است و معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز برگرفته از همین تعریف است؛ دومی، تمایل به سرعت بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که معرف محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی است و باسو بر همین اساس در سال ۱۹۹۷ میلادی معیار عدم تقارن زمانی را معرفی کرد (پرایس^۱، ۲۰۰۵).

محافظه کاری می‌تواند نقش مؤثری در کاهش منافع حاصل از مدیریت سود که مدیران ارشد سازمان انجام می‌دهند ایفا کند (چن و همکاران^۲، ۲۰۰۹). محافظه کاری در حسابداری، شرکت‌های سودمند را به سمت سوددهی بیشتر تحریک می‌کند تا آنها برای ارتقا تلاش بیشتری کنند و این به کیفیت بالای اطلاعات داخلی منجر می‌شود. محافظه کاری با تأثیر بر تصمیمات مالی، تأثیر قطعی تری در اصلاح کارایی سرمایه‌گذاری دارد (نان و ون^۳، ۲۰۱۰).

کولبک و وارفیلد^۴ (۲۰۰۵)، سنجه‌های توان تبیین مدل‌های ارزشیابی مبتنی بر داده‌های ترازنامه و سود و زیان، خطا و پراکندگی پیش‌بینی تحلیل‌گران و پایداری سود را برای بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری به کار بردند. در این زمینه، آنچه اهمیت دارد، معیارها، متغیرها و سنجه‌هایی است که با آنها کیفیت اطلاعات حسابداری ارزیابی می‌شود.

بلچندران و مهنرام^۵ (۲۰۰۶)، در بررسی رابطه‌ی بین محافظه کاری و محتوای اطلاعاتی (مربوط بودن اطلاعات)، محافظه کاری را به صورت جانبداری رو به پایین در ارزشهای دفتری و عدم تقارن زمانی عایدات با استفاده از رویکرد بسط داده شده‌ی باسو (۲۰۰۷) اندازه‌گیری کردند؛ و در تحقیق خود، هیچ شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین محافظه کاری صعودی و محتوای اطلاعات نزولی نیافتند؛ اما شواهدی یافتند دال بر اینکه محافظه کاری نامشروط صعودی با سطح بالاتری از محتوای اطلاعاتی ارزش‌های دفتری مرتبط است و در صنایع با محافظه کاری نامشروط صعودی، کاهش بیشتر با اهمیتی در محتوای اطلاعاتی ارزش‌های دفتری مشاهده می‌شود و در صنایع با رشد بالا بیشتر از صنایع با رشد پایین کاهش محتوای اطلاعاتی عایدات ملاحظه می‌شود ولی با کنترل رشد، شواهدی مبنی بر اینکه در صنایع با محافظه کاری صعودی بیشتر از صنایع با محافظه کاری نزولی، کاهش محتوای اطلاعاتی رخ می‌دهد، یافت نشد. در مجموع، یافته‌های آنها بیانگر آن است که نسبت دادن محتوای اطلاعاتی صعودی به محافظه کاری صعودی در حسابداری معقولانه نیست.

رایان^۶ (۲۰۰۶) تفاوت‌های محافظه کاری حسابداری و هموارسازی سود را به شرح زیر توضیح داده است: هموارسازی سود از طریق شاخص‌های حسابداری قابل محاسبه است؛ اما محافظه کاری را می‌توان علاوه بر اطلاعات حسابداری، از طریق شاخص‌های بازار نیز محاسبه کرد. هموارسازی سود، پراکندگی عایدات را کاهش می‌دهد اما محافظه کاری باعث می‌شود توزیع عایدات در مقایسه با توزیع جریان‌های نقدی عملیاتی، چولگی به چپ پیدا کند. میزان عایدات می‌تواند شاخصی برای هموارسازی سود باشد ولی شاخصی برای محافظه کاری نیست. هموارسازی سود، نوعی رفتار

¹ - Price

² - Chan & et al.

³ - Nan and Wen

⁴ - Kohlbeck & Warfield

⁵ - Balachandran, & Mahanram

⁶ - Ryan, G.R

غیرمحافظه‌کارانه غیرشرطی است؛ و افزایش یا کاهش سود از طریق هموارسازی سود به ترتیب موجب انتقال عایدات در توزیع نرمال به سمت چپ یا راست خواهد شد. بارث و همکاران^۱ (۲۰۰۸)، برای ارزیابی کیفیت اطلاعات حسابداری، سه متغیر را در نظر گرفتند که عبارتند از: مدیریت سود، شناخت سریع‌تر زیان و میزان مرتبط بودن ارقام حسابداری.

پیشینه پژوهش

ایمانی برندق و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، این‌گونه بیان می‌دارند که؛ تنوع جنسیتی به افزایش ارتباطات، به‌کارگیری دیدگاه‌های متنوع و اثربخشی در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی منجر می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است، حضور حداقل یک نماینده زن در کمیته حسابرسی می‌تواند حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش دهد که مطابق با دیدگاه عرضه در این زمینه است.

فخاری و رضائی پیتة نوئی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت»، این‌گونه بیان می‌دارند که؛ در این پژوهش، تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی ۱۲۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق داده‌های ترکیبی به روش تابلویی، بیانگر آن است که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی باعث بهبود محیط اطلاعاتی شرکت و افزایش شاخص سنجش آن می‌گردد.

بولو و حسنی القار (۱۳۹۵)؛ در مقاله‌ای با عنوان «مروری بر مهمترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود» این‌گونه بیان داشته‌اند که؛ سود حسابداری یکی از مهمترین اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی است که عوامل متعددی کیفیت آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش به معرفی مهمترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت سود و اجزای آنها شامل خصوصیات شرکت، رویه‌های گزارشگری مالی، مکانیسم‌های راهبری شرکتی، حساب‌سان، محرک‌های بازار سرمایه، خصوصیات مدیریت و عوامل خارجی پرداخته شده است.

گارچیا-مکا و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر تنوع جنسیتی و تخصص مالی بر کیفیت حسابداری» این‌گونه بیان می‌کند که؛ هدف از این مقاله، بررسی اینکه آیا تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره و تخصص مالی در کمیته حسابرسی، محافظه‌کاری حسابداری در بخش بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌ها، نقش نظارتی کارشناسان زن و مالی را تأیید می‌کنند و تأثیر مثبتی بر آنها در محافظه‌کاری و کیفیت درآمد در بانک‌ها می‌گذارد. با توجه به ویژگی‌های سازمانی، نتایج نشان می‌دهد که نقش مکمل تنظیم بانکداری و حمایت از سرمایه‌گذاران در این اثرات، با توجه به این که در محیط‌های نظارتی بالاتر و محافظت بیشتر سرمایه‌گذاران، تنوع جنسیتی و تخصص مالی در هیئت‌مدیره تأثیر بیشتری بر محافظه‌کاری و کیفیت درآمد بانک‌ها.

^۱ - Barth, & et al

^۲ - García-Sánchez & et al.

دی والامینک و سارنس (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان «رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی» انجام دادند. نتایج تحقیق آنان که بر روی ۶۰ شرکت انجام شد نشان داد که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و تعداد جلسات با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت وجود دارد.

هرمن و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به «بررسی رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و ویژگی‌های سود پیش‌بینی‌شده توسط تحلیلگران» پرداختند. نتایج آنان حاکی از این مطلب بود که تخصص مالی حسابداری اعضای کمیته حسابرسی با دو ویژگی پیش‌بینی سود تحلیلگران یعنی؛ صحت بیشتر پیش‌بینی سود پراکندگی کمتر پیش‌بینی‌ها، دارای ارتباطی معنادار است؛ اما برای تخصص مالی غیر حسابداری نتایجی مبنی بر وجود رابطه معنادار با سود پیش‌بینی‌شده مشاهده نشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش از نوع تحقیق توصیفی همبستگی است. روش تحقیق به صورت استقرایی است که در آن مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه، مقاله و اینترنت جمع‌آوری شده و در رد یا اثبات فرضیه‌های پژوهش با به‌کارگیری روش‌های آماری مناسب، از استدلال استقرایی در تعمیم نتایج استفاده شده است. لذا انجام پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی - استقرایی صورت گرفته است

با توجه به اینکه تحقیق حاضر برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ صورت می‌گیرد؛ به منظور انتخاب جامعه آماری، با مبنای قرار دادن سال ۱۳۹۱، تعداد ۴۷۵ شرکت به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش شناسایی شدند در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده می‌شود. به منظور انتخاب نمونه آماری، شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های زیر بودند به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و بقیه حذف شدند:

الف) برای انتخاب نمونه‌ای همگن، شرکت‌های انتخابی قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۹۱، سهام آن‌ها در بورس مورد معامله قرار گیرد.

ب) به منظور انتخاب شرکت‌های فعال، معاملات این شرکت‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۷ در بورس، فعال باشد و طول وقفه نباید بیشتر از سه ماه باشد.

ج) به منظور امکان مقایسه و برای جلوگیری از ناهمگونی، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفندماه بوده باشد و نباید در فاصله سال‌های مورد بررسی، تغییر سال مالی داده باشند.

د) صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه آن‌ها قابل دسترس باشد.

با اعمال ویژگی‌های فوق، تعداد ۴۴ شرکت به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند.

روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد. داده‌ها و آمار از سایت سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده است. مدل نظری تحقیق مورد استفاده در این تحقیق از مطالعه گارچیا-مکا (۲۰۱۸) اقتباس شده است

شیوه اندازه‌گیری متغیرها به شرح جدول ۱ می‌باشد:

جدول (۱): شیوه اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نوع متغیر	نماد متغیر	شیوه اندازه‌گیری
محافظه‌کاری ^۱	وابسته	ΔNI	تغییر سود خالص سال (t) نسبت به سال (t-1) (گارچیا-مکا، ۲۰۱۸)
کیفیت سود	وابسته	EBT	سود عملیاتی سال (t+1) (گارچیا-مکا، ۲۰۱۸)
حضور زنان در هیئت‌مدیره	مستقل	WOMEN	در صورت وجود زنان در هیئت‌مدیره = یک در غیر این صورت = صفر
تغییرات سود سال قبل	کنترلی	t-1	درصد تغییر سود خالص سال (t-1) نسبت به سال قبلش (گارچیا-مکا، ۲۰۱۸)
وجود تغییرات سود سال قبل	کنترلی	Δt	در صورت منفی بودن تغییرات سود سال قبل = یک در غیر این صورت = صفر
اندازه شرکت	کنترلی	Size	لگاریتم دارایی
استقلال هیئت‌مدیره	کنترلی	ΩF_k	نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضا
شرکت تعداد جلسات	کنترلی	Meeting	تعداد جلسات هیئت‌مدیره
سال	کنترلی	year	سال مورد نظر = یک مابقی سالها = صفر
صنعت	کنترلی	Industry	صنعت مورد نظر = یک مابقی صنایع = صفر

برای سنجش فرضیه اول (حضور زنان در هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد). از

فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta NI_t = & x_0 + x_1 D\Delta NI_{t-1} + x_2 DNI_{t-1} + x_3 \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + x_4 Women \\ & + x_5 Women * D\Delta NI_{t-1} + x_6 Women * \Delta NI_{t-1} + x_7 Women * \Delta NI_{t-1} \\ & * D\Delta NI_{t-1} + x_8 Size + x_9 Size * D\Delta NI_{t-1} + x_{10} Size * \Delta NI_{t-1} \\ & + x_{11} Size * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + \Omega F_k + Year + \varepsilon_{i,k} \end{aligned}$$

^۱ با توجه به صفحه ۳۷ مقاله بیس. جدول مفاهیم-

که اگر β_4 معنادار باشد، فرضیه تأیید می‌شود.

بر این اساس برای سنجش فرضیه دوم (حضور زنان در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد.) از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$EBT_{t+1} = \omega_0 + \omega_1 EBT_t + \omega_2 Women + \omega_3 Women * EBT_t + \omega_4 Size_t + \Omega F_k + Year + \varepsilon_{i,k}$$

که اگر β_4 معنادار باشد، فرضیه تأیید می‌شود.

از روش رگرسیون پانلی نرم‌افزار Eviews برای تجزیه و تحلیل فرضیات پژوهش استفاده شده است

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی:

پژوهش حاضر بر روی داده‌های مالی ۴۴ شرکت پذیرفته شده در بورس به‌عنوان داده‌های مقطعی، در طول ۷ سال (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷)، به‌عنوان دوره مورد مطالعه می‌باشد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانه نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است.

جدول (۲): میانگین و انحراف معیار نمره متغیرهای پژوهش از سال ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۷

متغیر	تعداد مشاهده	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم
محافظه‌کاری	۳۰۸	۰,۰۹	۰,۴۱	-۰,۴۵	۱,۰۱
کیفیت سود	۳۰۸	۰,۳۳	۰,۳۲	-۰,۲۳	۱,۰۱
حضور زنان در هیئت‌مدیره	۳۰۸	۰,۲۲	۰,۹۹	۰	۱
تغییرات سود سال قبل	۳۰۸	۱,۳۵	۲,۳۲	۰	۱
وجود تغییرات سود سال قبل	۳۰۸	۰,۲۲	۰,۰۸	۰	۱
اندازه شرکت	۳۰۸	۶,۳۲	۱,۲۹	۳,۲۵	۸,۳۴
استقلال هیئت‌مدیره	۳۰۸	۰,۲۲	۰,۰۹	۰,۱۴	۰,۴۰
تعداد جلسات شرکت	۳۰۸	۵	۱,۶۴	۲	۱۱
سال	۳۰۸	۰,۴۹	۰,۳۱	۰	۱
صنعت	۳۰۸	۰,۵۹	۰,۲۳	۰	۱

منبع: نتایج تحقیق

آزمون نرمال بودن متغیرها با روش جاک-ب - برای کلیه متغیرها ($Prob < 0.05$) و غیرنرمال می‌باشد. لذا، آزمون نرمال‌سازی متغیرهای غیرنرمال با تبدیل جانسون انجام شد که مقدار آن در جدول ۳ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۳- نتایج نرمال بودن متغیرها (جارک - برا) و نرمال سازی با تبدیل جانسون

متغیر	آماره جارک-برا	سطح معنی داری جارک - برا	سطح معنی داری بعد از تبدیل جانسون
محافظه کاری	۵۶,۸۴	۰,۰۰	۰,۴۰
کیفیت سود	۷۸,۵۶	۰,۰۰	۰,۶۰
حضور زنان در هیئت مدیره	۱۲۵,۹۰	۰,۰۰	۰,۶۸

مانایی داده‌ها با آزمون لیون، لین و چوی انجام شد که حاکی از مانا بودن همه داده‌ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ بوده که به صورت جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون مانایی برای متغیرها

متغیر	مقدار آماره	سطح معناداری
محافظه کاری	۲,۸۱	۰,۰۰
کیفیت سود	۱۶,۹۱	۰,۰۰
حضور زنان در هیئت مدیره	۱۵,۸۸	۰,۰۰

جدول ۵: آزمون F لیمر و آزمون هاسمن مربوط به فرضیه‌های پژوهش

هاسمن			F لیمر			فرضیه‌ها
تعیین الگو	سطح معناداری	square -chi	تعیین مدل	سطح معناداری	مقدار آماره F	
اثرات ثابت	۰,۰۰۱	۸,۵۶۵	پانل	۰,۰۰۰	۷,۳۱۹	مدل اول
اثرات ثابت	۰,۰۴۱	۷,۴۸۵	پانل	۰,۰۰۰	۵,۵۴۳	مدل دوم

با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول ۵، از آنجا که مقدار Prob (سطح معناداری) آزمون F لیمر برای تمام فرضیه‌ها، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا، نوع داده‌های ترکیبی، پانل دیتا بوده و نیاز به آزمون هاسمن دارند. لذا، آزمون هاسمن برای تمام مدل‌ها (بر اساس نتایج مدل پانل دیتا) جهت رد الگوی اثرات ثابت بررسی شد و نتایج نشان داد که مقدار سطح معناداری این آزمون در تمام فرضیه‌ها، از ۰/۰۵ کمتر بوده و باید از الگوی اثرات ثابت استفاده کنیم.

فرضیه اول: حضور زنان در هیئت مدیره بر محافظه کاری حسابداری در شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد.

$$\Delta NI_t = x_0 + x_1 D\Delta NI_{t-1} + x_2 DNI_{t-1} + x_3 \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + x_4 Women + x_5 Women * D\Delta NI_{t-1} + x_6 Women * \Delta NI_{t-1} + x_7 Women * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + x_8 Size + x_9 Size * D\Delta NI_{t-1} + x_{10} Size * \Delta NI_{t-1} + x_{11} Size * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + \Omega F_k + Year + \varepsilon_{i,k}$$

جدول ۶- بررسی فرضیه اول تحقیق

مدل اول	ضرایب	خطای استاندارد	T آماره-	سطح معناداری	نتیجه
x_0	۰,۰۲۳	۰,۰۲۳	۰,۵۵۲	۰,۱۰۰	عدم تأثیر
x_1	۰,۱۵۳	۰,۰۴۱	۲,۰۵۴	۰,۰۳۴	تأثیر مثبت
x_2	۰,۱۶۳	۰,۰۲۴	۲,۰۳۴	۰,۰۴۵	تأثیر مثبت
x_3	۰,۳۴۵	۰,۰۱۰	۱,۹۶۱	۰,۰۴۰	تأثیر مثبت
x_4	۰,۰۲۱	۰,۰۹۸	۱,۰۴۴	۰,۱۵۱	عدم تأثیر
x_5	۰,۲۳۱	۰,۰۱۱	۲,۱۰۱	۰,۰۱۱	تأثیر مثبت
x_6	۰,۲۴۴	۰,۰۱۲	۱,۹۸۲	۰,۰۰۹	تأثیر مثبت
x_7	۰,۱۹۸	۰,۰۵۱	۲,۳۱۲	۰,۰۰۴	تأثیر مثبت
x_8	۰,۰۲۹	۰,۲۴۵	۰,۹۵۶	۰,۲۱۲	عدم تأثیر
x_9	۰,۰۴۲	۰,۲۳۹	۰,۹۶۳	۰,۱۶۳	عدم تأثیر
x_{10}	۰,۰۸۴	۰,۱۹۸	۱,۰۲۵	۰,۰۹۳	عدم تأثیر
x_{11}	۰,۰۳۵	۰,۱۱۲	۱,۰۶۴	۰,۱۰۵	عدم تأثیر
ضریب تعیین تعدیل شده		سطح معناداری	۰,۰۰۱		

آماره T کوچکتر از ۱,۹۶ یا سطح معنی داری بزرگتر از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیست. (جدول ۶)

فرضیه دوم: حضور زنان در هیئت مدیره بر کیفیت سود شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد.

$$\Delta NI_t = x_0 + x_1 D\Delta NI_{t-1} + x_2 DNI_{t-1} + x_3 \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + x_4 FEFC + x_5 FEFC * D\Delta NI_{t-1} + x_6 FEFC * \Delta NI_{t-1} + x_7 FEFC * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + x_8 Size + x_9 Size * D\Delta NI_{t-1} + x_{10} Size * \Delta NI_{t-1} + x_{11} Size * \Delta NI_{t-1} * D\Delta NI_{t-1} + \Omega F_k + Year + \varepsilon_{i,k}$$

جدول ۷: بررسی فرضیه دوم تحقیق

مدل اول	ضرایب	خطای استاندارد	T آماره-	سطح معناداری	نتیجه
x_0	۰,۰۳۲	۰,۲۵۱	۰,۹۴۹	۰,۱۰۲	عدم تأثیر
x_1	۰,۱۲۵	۰,۰۱۱	۲,۳۴۴	۰,۰۱۲	تأثیر مثبت
x_2	۰,۲۰۱	۰,۰۱۶	۲,۰۲۳	۰,۱۱۱	تأثیر مثبت
x_3	۰,۱۵۶	۰,۰۲۳	۱,۵۹۷	۰,۱۲۱	عدم تأثیر
x_4	۰,۱۰۹	۰,۱۲۴	۱,۱۲۹	۰,۰۹۱	عدم تأثیر
x_5	۰,۰۲۵	۰,۲۱۰	۰,۹۵۹	۰,۰۹۲	عدم تأثیر
x_6	۰,۰۵۶	۰,۱۰۹	۰,۶۴۹	۰,۰۸۲	عدم تأثیر
x_7	۰,۱۶۸	۰,۰۹۷	۰,۹۱۲	۰,۱۳۶	عدم تأثیر
x_8	۰,۱۳۶	۰,۰۸۹	۰,۶۸۳	۰,۱۳۴	عدم تأثیر
x_9	۰,۰۳۹	۰,۰۶۷	۱,۰۳۹	۰,۰۶۹	عدم تأثیر
x_{10}	۰,۱۰۹	۰,۰۵۹	۰,۵۴۲	۰,۰۹۱	عدم تأثیر
x_{11}	۰,۰۹۱	۰,۰۶۲	۰,۶۳۴	۰,۱۰۲	
ضریب تعیین تعدیل شده		سطح معناداری		۰,۰۲۹	

آماره T کوچکتر از ۱,۹۶ یا سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر حضور زنان در هیئت‌مدیره بر کیفیت سود و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها می‌باشد. با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل انجام شده؛ آماره T کوچکتر از ۱,۹۶ یا سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین این فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. این نتیجه به دلیل غالب بودن جنسیت مرد در هیئت‌مدیره شرکت‌های مورد بررسی می‌تواند سوگیری داشته باشد؛ بنابراین نمی‌توان این نتیجه را بدون بررسی بیشتر در بخش مدیریت استفاده کرد؛ به عبارت دیگر برای اطمینان از نتیجه پیشنهاد می‌شود رابطه دو متغیر «حضور زنان در هیئت‌مدیره» و «محافظه‌کاری حسابداری» در جوامع جهان اول و جهان سوم به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. این نتیجه با آنچه در چهارچوب نظری ارائه شد و با نتایج پژوهش ایمانی برندق، عبدی و کاظمی علوم (۱۳۹۶) هرمن و همکاران (۲۰۱۳) درفوند و همکاران (۲۰۰۵) کلین فاربر (۲۰۰۷) گارچیا-مکا و همکاران (۲۰۱۸) هم‌راستا و هم‌جهت است.

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده و تجزیه و تحلیل انجام شده؛ آماره T کوچکتر از ۱,۹۶ یا سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین این فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست. این نتیجه به دلیل غالب بودن جنسیت مرد در هیئت‌مدیره شرکت‌های مورد بررسی می‌تواند سوگیری داشته باشد؛ بنابراین نمی‌توان این نتیجه را بدون بررسی بیشتر در بخش مدیریت استفاده کرد؛ به عبارت دیگر برای اطمینان از نتیجه پیشنهاد می‌شود رابطه دو متغیر «حضور زنان در هیئت‌مدیره» و «محافظه‌کاری حسابداری» در جوامع جهان اول و جهان سوم به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. این نتیجه با آنچه در چهارچوب نظری ارائه شد و با نتایج پژوهش هرمن و همکاران (۲۰۱۳) درفوند و همکاران (۲۰۰۵) کلین فاربر (۲۰۰۷) گارچیا-مکا و همکاران (۲۰۱۸) هم‌راستا و هم‌جهت است.

با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود رابطه بین متغیرها به صورت تطبیقی در بین جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

ایمانی برندق، محمد؛ عبدی، مصطفی و کاظمی علوم، مهدی، بررسی تأثیر تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، انتشارات بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱۳۹۶)، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۳۲۲-۳۰۳.

Balachandran, S. V., & Mohanram, P. S., 2006, Conservatism and the Value Relevance of Accounting Information: Unpublished Working Paper, Columbia University.

Basu, Nilanjan and Wang, Xing. (2013). Evidence on The Relationship Between Inventory Changes, Earnings and Firm Value, The International Journal of Business and Finance Research. No.3, PP.1-15.

Carter, D., Simkins, B. & Simpson, W. (2003). Corporate Governance, Board Diversity, and Firm Value. *The Financial Review*, 38(1), 33-53.

Chan, A.L.G.; Hin, S.W.J.; Strong, N. 2009. "Accounting Conservatism and the Cost of Equity Capital", Online, SSRN Website.

Dechow, P., Richardson, S., & Sloan, R. (2008). The persistence and pricing of the cash component of earnings, *Journal of Accounting Research*, Vol.46, PP.537-566.

Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: a review of the proxies, their determinants and their consequences, *Journal of Accounting and Economics* Vol.50, pp.344-401

Erhardt, N., Werbel, J. & Shrader, C. (2003). Board of Director Diversity and Firm Financial Performance. *Corporate Governance: An International Review*, 11(2), 102-110.

Fondas, N. & Salsalos, S. (2000). A Different voice in the Boardroom: How the Presence of Women Directors Affects Board Influence over Management.

Francies, I.; Lafond, R.; Olsson, P. and Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. PP:295-327.

García Lara, J.M., García Osma, B. and Penalva, F. (2009), "Accounting conservatism and corporate governance", *Review of Accounting Studies*, Vol. 14 No. 1, pp. 161-201.

Hendriksen eldon & van breda, a statement of basic accounting theory, 5th ed, usa, Irwin/mcgraw hill co 1991.

Herrmann, T., Inoue, T. Thomas, W.B. (2013). The sale of assets to manage earnings in Japan. *Journal of Accounting Research*, 41(1), 89-108.

- Huse, M. & Solberg, A. (2006). Gender-related Boardroom Dynamics: How Scandinavian Women Make and can Make Contributions on Corporate Board. *Women in Management Review*, 21(2), 113–130.
- Huse, M., Nielsen, S. & Hagen, I. (2009). Women and Employee-elected Board Members, and their Contributions to Board Control Tasks. *Journal of Business Ethics*, 89(4), 581–597.
- Ittonen, K., Miettinen, J. & Vahamaa, S. (2010). Administration Does Female Representation on Audit Committees Affect Audit Fees. *Quarterly Journal of Finance and Accounting*, 49(3-4), 113–139.
- Kohlbeck, Mark & Warfield, T. 2005. "The Effects of Principles-based Accounting Standards on Accounting quality", SSRN Website.
- Krishnan, G. & Visvanathan, G. (2008). Does the SOX definition of an accounting expert matter? The association between audit committee directors accounting
- Nan, L. & Wen, X. 2010. "Conservatism's Effects on Capital Structure Efficiency and Accounting Information quality", <http://ssm.com>.
- Price, R.A. 2005. "Accounting Conservatism and the Asymmetry in the Earnings Response to Current and Lagged Returns", <http://www.ssm.com>.
- Ryan, G.R. 2006. "Identifying Conditional Conservatism", *The European Accounting Review* 15, 511-525,
- Schubert, R. (2006). Analyzing and Managing Risks On the Importance of Gender Difference in Risk Attitudes. *Managerial Finance*, 32(9), 706–715.
- Thiruvadi, S. & Huang, H. (2011). Audit Committee Gender Differences and Earning Management. *International Journal*, 26(7), 483-498.

Investigating the effect of women on the board of directors on earnings quality and accounting conservatism in companies

Elmira Mohammad Khanloo¹
Ali Zahedpour^{*2}
Abolfazl Alizadeh³

Date of Receipt: 2020/01/07 Date of Issue: 2020/02/19

Abstract

The aim of this speculation, is the impact of women participating in the board or directors and it's impact on the profits and accounting conservatism in companies. This research is of the sort of applied research, and the method is descriptive correlation research. Based on the year 1390, 475 companies are speculated as the statistical population in this research, in this research the method systematic reduction is used for determining a statical sample and 44 companies are chosen as the sample. The theoretical model of the research used in this research is adapted from the Garcia-Mecca (2018) study. The collected data were analyzed using Eviews software. The results of the study showed that the presence of women in the board has no significant effect on accounting conservatism and earnings quality.

Keywords

Women's presence, conservatism, profit quality, board

1. Lecturer, Department of Accounting, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran.
2. Master student of Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding author)
3. Master of Accounting, Takestan Higher Education Institute.